گزارش تحلیلی «جام جم» از سیاهه زیاده‌خواهی واشنگتن علیه چرخه هسته‌ای ایران

آقای عراقچی! غلط زیادی جدید آمریکا ارزش پاسخ ندارد





عبدالرضا هادی‌زاده نائینی
دبیرگروه سیاسی

در تاریخ پرافتخار ایران، از روزهایی که ملت با مشت‌های گره‌کرده صنعت نفت را ملی کردند و در برابر غارتگران ایستادند تا امروز، یک حقیقت روشن است؛ حقیقتی که نشان می‌دهد قدرت‌های بزرگ غربی همیشه مقابل حقوق مردم ایران قدعلم کرده‌اند! اما این بار، ماجرای ایستادگی مردم و حاکمیت در حراست از حق غنی‌سازی اورانیوم، حماسه‌ای نوین است؛ حقی قانونی که خون دانشمندان وطن به ما ارزانی داشته تا آینده‌ای روشن با انرژی پاک و درمان بیماران و هزاران مزایای دیگر را در پی داشته باشد. غرب، با کارنامه‌ای سیاه از خیانت در پروژه اورودیف و سد راه سوخت پزشکی، بار دیگر زیاده‌خواهی جدیدی را در موضوع هسته‌ای در پی گرفته است؛ اما این‌بار، حاکمیتی مقتدر و مردمی منسجم، در برابر یاوه‌گویی‌ها ایستاده‌اند تا از حق غنی‌سازی، این میراث ملی، پاسداری کنند. این گزارش، روایتی کوتاه از این نبرد غرورآفرین و سیاهه بدعهدی‌ها و مانع‌تراشی کشورهای غربی در مقابل حقوق ایرانیان است. ماجرای اخیر از جایی آغاز شد که آمریکایی‌ها به‌یک‌باره و در میانه مذاکرات موضوع غنی‌سازی صفر را روی میز گذاشتند، موضوعی که حق قانونی ایران را زیر سؤال برده و به‌عنوان یک استثناء در نظام بین‌الملل امکان استفاده از انرژی صلح‌آمیز را از کشورمان می‌گیرد. مقامات ایرانی از ابتدا در برابر این مطالبه توهین‌آمیز ایستادند؛ تاجایی‌که رهبرمعظم انقلاب به این ماجرا ورود کرده و خط قرمز قطعی تهران را به واشنگتن یادآوری نمودند: «این حرف آمریکایی‌ها که به ایران اجازه غنی‌سازی نمی‌دهیم، غلط زیادی است و در کشور کسی منتظر اجازه این و آن نیست و جمهوری اسلامی همان سیاست و روش خود را پیگیری خواهد کرد... در مناسبتی دیگر به ملت خواهم گفت که نیت و هدف واقعی آنها از این اصرار چیست.» در آخرین مورد پیام جدید امریکا به ایران توسط عمان به کشورمان رسید. شواهد نشان می‌دهد این نامه نیز بر محور زیاده خواهی آمریکا استوار است. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان روز گذشته در نشست خبری با همتای مصری خود در قاهره با اشاره به این نامه خبر داد «به زودی به پیشنهاد مکتوب آمریکا پاسخ مناسب خواهیم داد.» هر چند پاسخ وزارت امور خارجه در چارچوب اصول و قواعد دیپلماتیک و خطوط قرمز کشور خواهد بود اما کارنامه زیاده خواهی آمریکا و مطالب مطرح شده از سوی آنها نشان می‌دهد که نامه واشنگتن ارزش پاسخ ندارد.

۱ چرخه سوخت هسته‌ای بدون سلاح هسته‌ای

آمریکایی‌ها مدعی هستند هیچ کشوری وجود ندارد که چرخه هسته‌ای در اختیار داشته و بمب اتم تولید نکرده باشد؛ از همین رو ایران نیز اساسا نباید چرخه غنی سازی داشته باشد و در نتیجه سایت‌های هسته‌ای ایران در مسیر توافق با آمریکا محکوم به تعطیلی و برچیده شدن هستند. اما برخلاف ادعای آنها غنی‌سازی اورانیوم لزوما به‌معنای تولید سلاح هسته‌ای نیست. بسیاری از کشورها از این فناوری برای مقاصد صلح‌آمیز، از جمله تولید برق، تحقیقات علمی و کاربردهای پزشکی، استفاده می‌کنند. در زیر فهرستی جامع از کشورهایی که چرخه سوخت هسته‌ای دارند و به سمت سلاح هسته‌ای نرفته‌اند، ارائه شده است:

- **برزیل:** برزیل دارای چرخه کامل سوخت هسته‌ای است و از غنی‌سازی برای تأمین سوخت رآکتورهای هسته‌ای خود استفاده می‌کند. این کشور عضو NPT است و برنامه هسته‌ای‌اش تحت نظارت دقیق آژانس قرار دارد. برزیل از فناوری هسته‌ای برای تولید برق و تحقیقات علمی بهره می‌برد.
- **آرژانتین:** آرژانتین نیز چرخه سوخت هسته‌ای را توسعه داده و از غنی‌سازی برای تولید انرژی و ایزوتوپ‌های پزشکی استفاده می‌کند. این کشور عضو NPT است و هیچ‌گاه به‌سمت سلاح هسته‌ای نرفته است.
- **آفریقای جنوبی:** آفریقای جنوبی در دهه ۱۹۸۰ برنامه تسلیحاتی خود را داشت اما پس از کنار گذاشتن آن در دهه ۱۹۹۰، به استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای روی آورد. این کشور اکنون از غنی‌سازی برای تولید برق و مصارف علمی استفاده می‌کند.
- **هلند:** هلند از طریق شرکت اورنکو (Urenco) یکی از بزرگ‌ترین کنسرسیوم‌های غنی‌سازی اورانیوم در جهان، در زمینه این فناوری فعال است. هلند از غنی‌سازی برای تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای خود استفاده می‌کند.
- **آلمان:** آلمان نیز عضو کنسرسیوم اورنکو است و از فناوری غنی‌سازی برای تولید انرژی و تحقیقات علمی بهره می‌برد. این کشور به تعهدات NPT پایبند است.
- **ژاپن:** ژاپن چرخه سوخت هسته‌ای پیشرفته‌ای دارد و از غنی‌سازی برای تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای خود استفاده می‌کند. این کشور، با وجود تجربه فاجعه اتمی هیروشیما و ناکازاکی، برنامه هسته‌ای خود را صرفا صلح‌آمیز نگه داشته است.
- **استرالیا:** استرالیا با ذخایر عظیم اورانیوم در چرخه سوخت هسته‌ای، به‌ویژه استخراج و فرآوری اورانیوم، فعال است. این کشور از فناوری هسته‌ای برای تحقیقات علمی استفاده می‌کند.
- **کانادا:** کانادا یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان اورانیوم در جهان است و از فناوری هسته‌ای برای تولید برق و تحقیقات پزشکی بهره می‌برد. این کشور عضو NPT است و تحت نظارت آژانس فعالیت می‌کند.
- **سوئد:** سوئد از فناوری هسته‌ای برای تولید برق استفاده می‌کند و در چرخه سوخت هسته‌ای فعال است. این کشور به استفاده صلح‌آمیز از این فناوری متعهد است.
- **اسپانیا:** اسپانیا نیز از فناوری هسته‌ای برای تولید انرژی استفاده می‌کند و در چرخه سوخت هسته‌ای مشارکت دارد، بدون این‌که به‌سمت سلاح هسته‌ای برود.
- **بلژیک:** بلژیک از فناوری هسته‌ای برای تولید برق و تحقیقات علمی استفاده می‌کند و عضو NPT است.
- **کره جنوبی:** کره جنوبی چرخه سوخت هسته‌ای را برای تأمین انرژی مورد نیاز خود توسعه داده و از غنی‌سازی برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده می‌کند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که غنی‌سازی اورانیوم می‌تواند کاملا صلح‌آمیز باشد و ایران نیز مانند این کشورها، حق دارد از این فناوری برای توسعه علمی، اقتصادی و پزشکی خود بهره ببرد.

۲ سابقه سیاه آمریکا و اسرائیل در سوءاستفاده از انرژی هسته‌ای

در مقابل اما ۹ کشور در جهان سلاح هسته‌ای دارند و در این بین ایالات متحده تنها کشوری است که از سلاح هسته‌ای در جنگ استفاده کرده است. واشنگتن در سال ۱۹۴۵، بمب‌های اتمی را بر هیروشیما و ناگازاکی انداخت و جان بیش از ۲۰۰ هزار نفر را گرفت. این کشور که در مقابل چشم جهان از بمب اتم سوءاستفاده کرده است، در دهه‌های گذشته، سیاست‌های دوگانه‌ای در قبال برنامه‌های هسته‌ای کشورها اتخاذ کرده و ضمن حمایت از رژیم اسرائیل، ایران را تحت فشار غیرقانونی قرار داده است.

اسرائیل، برخلاف ایران، عضو NPT نیست و به هیچ قانون بین‌المللی در زمینه هسته‌ای پایبند نبوده است. این رژیم به‌صورت غیرقانونی و بدون نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، زرادخانه هسته‌ای خود را توسعه داده و از پاسخگویی به جامعه جهانی خودداری می‌کند. این در حالی است که ایران تحت نظارت دقیق آژانس فعالیت می‌کند و هیچ‌گاه به سمت تولید سلاح هسته‌ای نرفته است اما در عین حال همیشه و بدون هیچ سندی در مظان اتهام دشمنان قرار داشته است.

۳ پروژه اورودیف و سابقه خیانت فرانسه

سابقه نشان داده است که کشورهای غربی به شدت از جهت عمل به تعهدات خود غیرقابل اعتماد هستند. این بدعهدی حتی به حاکمیت در ایران نیز ارتباط ندارد.

غربی‌ها حتی در دوران محمدرضا پهلوی نیز به همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران متعهد نبودند. در دهه ۱۹۷۰ و در زمان رژیم پهلوی، ایران برای توسعه فناوری هسته‌ای خود با فرانسه همکاری کرد و یک میلیارد دلار (معادل چندین میلیارد دلار امروز) برای ایجاد کنسرسیوم اورودیف در فرانسه سرمایه‌گذاری کرد اما هیچ‌گاه نتوانست از منافع آن منتفع شود. رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، محمد اسلامی، در این باره می‌گوید: «گفتند که شما وارد چرخه سوخت نشوید؛ هرچه بخواهید ما به شما می‌دهیم. پیگیری‌هایی که ایران کرد، گفتند کنسرسیومی ایجاد شود، کنسرسیوم در ایران نباشد و در اروپا باشد... یک میلیارد دلار هم در آن زمان از شاه گرفتند؛ این صنعت در فرانسه ایجاد شد؛ به محض این‌که این را شکل دادند گفتند که یک کشور غیراروپایی نمی‌تواند عضو این کنسرسیوم باشد.» برای دورزدن این محدودیت، یک شرکت ایرانی-فرانسوی ایجاد شد که هیچ مزیتی برای ایران نداشت. به‌گفته اسلامی: «پول را گرفتند و هیچ دستاوردی هم برای ایران نداشته است.»

۴ داستان عجیب رآکتور تحقیقاتی تهران

رآکتور تحقیقاتی تهران در دهه ۱۹۵۰ و پس از سفر دوایت آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به ایران، در چارچوب برنامه «اتم برای صلح» ساخته شد. این رآکتور ابتدا برای استفاده از سوخت ۹۰ درصد غنی‌شده طراحی شده بود که توسط شرکت آمریکایی AMERCO تأمین می‌شد. در آن زمان، آمریکا متعهد به تأمین سوخت این رآکتور شد. با این حال روابط تهران-واشنگتن آن‌گونه که باید در این زمینه پیش نرفت تا جایی‌که اکبر اعتماد، رئیس سازمان انرژی اتمی دوران شاه، سال‌ها بعد در یک مصاحبه گفت: «ما نتوانستیم با آمریکایی‌ها کار کنیم، چون آنها به ما گفته بودند اگر از ما سوخت هسته‌ای بخرید، باید رضایت بدهید که ما به شما بگوییم با سوخت مصرف‌شده چه باید بکنید.» مسئولان وقت ایران نیز این مسأله را حق حاکمیتی ایران دانسته و به آمریکایی‌ها اعلام کردند «هیچ کشوری حق ندارد سیاست هسته‌ای را به دیگران دیکته کند.»

پس از انقلاب اسلامی نیز، آمریکا همکاری خود را قطع کرد. در دهه ۱۹۸۰، ایران با کمک آرژانتین، رآکتور را برای استفاده از سوخت ۲۰ درصد غنی‌شده بازطراحی کرد، چراکه سوخت ۹۰ درصد در دسترس نبود. با این حال، پس از بازطراحی، غرب از تأمین سوخت ۲۰ درصد نیز خودداری کرد.

۵ امتناع از تأمین سوخت پزشکی در سال ۱۳۸۹

در سال ۱۳۸۹ ایران به‌منظور تأمین سوخت ۲۰ درصد غنی‌شده برای رآکتور تحقیقاتی تهران، که برای تولید رادیوداروها و درمان حدود ۸۵۰ هزار بیمار سرطانی ضروری بود، به کشورهای غربی مراجعه کرد اما آمریکا و متحدانش از ارائه این سوخت خودداری کردند. این امتناع، ایران را مجبور کرد برای تأمین نیازهای پزشکی خود، غنی‌سازی ۲۰ درصد را در دستور کار قرار دهد و با تقویت فناوری بومی، خود را در باشگاه کشورهای هسته‌ای قرار دهد. این اقدام ایران کاملا قانونی و تحت نظارت آژانس بود و در نهایت نیز این حق به ناچار توسط برخی از کشورهای غربی پذیرفته شد، هر چند دولت ترامپ همچنان این مسأله را انکار می‌کند.

۶ ماده چهار NPT و حق مسلم ایران

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) در ماده ۴ خود صراحتا حق کشورهای عضو را درخصوص توسعه فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز به رسمیت می‌شناسد. در این ماده آمده است: «هیچ‌چیز در این پیمان نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که بر حق انکارناپذیر همه طرف‌های پیمان برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح‌آمیز، بدون تبعیض و مطابق با مواد ۱ و ۲ این پیمان، تأثیر بگذارد.»

این ماده، غنی‌سازی اورانیوم را برای مقاصد صلح‌آمیز از جمله تولید انرژی و ایزوتوپ‌های پزشکی، مجاز می‌داند؛ به همین دلیل ایران به‌عنوان عضو NPT، از این حق برخوردار است و هیچ کشوری نمی‌تواند آن را از ایران سلب کند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) از زمان آغاز فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نظارت گسترده‌ای بر تأسیسات کشورمان داشته است. هم اکنون که آژانس در حال زمینه‌سازی برای تصویب یک قطعنامه علیه کشورمان در شورای حکام است، ۱۲۵ بازرس برای بازرسی از سایت‌های هسته‌ای ایران، از جمله نطنز، فردو و اراک، مجوز دارند و بیشترین بازرسی‌ها در صنایع هسته‌ای جهان متعلق به ایران است. گزارش‌های متعدد آژانس تأیید کرده‌اند که فعالیت‌های ایران انحرافی به سمت اهداف نظامی نداشته است اما واشنگتن همچنان ساز ناکوک می‌زند. غنی‌سازی اورانیوم حق مسلم ایران است و نه یک امتیاز که وابسته به اجازه دیگران باشد. این حق براساس ماده ۴ NPT به رسمیت شناخته شده است. اصرار غیرقانونی آمریکا بر غنی‌سازی صفر در ایران، نه‌تنها با قوانین بین‌المللی در تضاد است، بلکه مذاکرات را به بن‌بست کشانده. ایران از حقوق قانونی خود چشم‌پوشی نخواهد کرد و زیاده‌خواهی‌های غرب را نمی‌پذیرد. تجربه بدعهدی‌های غرب، از پروژه اورودیف و خیانت فرانسه تا امتناع از تأمین سوخت رآکتور تهران و نیازهای پزشکی ایران، نشان می‌دهد که تهران باید بر توانمندی داخلی خود تکیه کند. کشورهای متعددی از چرخه سوخت هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده می‌کنند، در حالی که تنها آمریکاست که از سلاح هسته‌ای در جنگ استفاده کرده و اسرائیل که به‌صورت غیرقانونی و بدون نظارت، این سلاح را در اختیار دارد.

یادداشت

منوچهر متکی | وزیر خارجه پیشین

هشدار به آمریکا درخصوص مرزهای ممنوعه غنی‌سازی

آمریکایی‌ها می‌دانند غنی‌سازی و حفظ اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی ایران قابل مذاکره نیست و با ورود به این مرزهای ممنوعه، عِرض خود می‌برند و زحمت ما می‌دارند. آمریکایی‌ها باید بدانند ورود به مرزهای ممنوعه غنی‌سازی و دفاعی ایران باعث شکست مذاکرات شده و طرف آمریکایی عامل این شکست است. غنی‌سازی و حفظ اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی ایران قابل مذاکره نیست.

یادداشت

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی | استاد روابط بین‌الملل

صلح آمریکایی؛ تحمیل یا تعامل؟

صلح مبتنی بر قدرت یا صلح قدرت‌محور بیشتر متضمن اجبار و تحمیل و سلطه است و بنابراین وقتی گفته می‌شود صلح از طریق قدرت، این بیشتر متضمن نوعی سلطه و هژمونی نظامی، سیاسی و اقتصادی است.

این مفهوم در گذشته بیشتر بعد نظامی داشته اما امروزه وقتی به زبان می‌آید، استفاده حداکثری از قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی در راستای منافع ملی آن کشور مد نظر است. بنابراین، این مفهوم متضمن نوعی برتری‌طلبی سیاسی و اقتصادی و نظامی است. برخی مواقع تاکید بر قدرت نظامی اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، صلح از طریق قدرت یک تعریف کوتاه و مختصر از بازدارندگی است. بعضی وقت‌ها کشورها از جمله آمریکا به‌جای اصطلاح بازدارندگی، از این مفهوم استفاده می‌کنند. بنابراین، متضمن افزایش قدرت یا بکارگیری قدرت حداکثری برای مقابله با دشمنان و تهدیدات علیه آمریکا به‌منظور منصرف‌کردن آنهاست و بیشتر یک استراتژی برای مقابله با رقبا و به‌خصوص دشمنان و تهدیدات آمریکا محسوب می‌شود؛ گرچه ترامپ در چارچوب این سیاست یا دکترین صلح از طریق قدرت، از قدرت اقتصادی و سیاسی نیز استفاده می‌کند. بنابراین می‌توان گفت معنای صلح از طریق قدرت، یعنی اعمال حداکثری قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا در مقابل دشمنان و رقبا، از جمله چین، کره شمالی و ایران. صلح از طریق قدرت نوعی نظامی‌گری و نوعی سیاست سلطه و حتی می‌توان گفت خشونت‌ورزی است که در چارچوب مفهوم صلح پوشش‌داده شده است. یعنی پوشش صلح، برای توجیه اعمال سیاسی و قدرت توسط آمریکا به‌کار گرفته می‌شود. این صلح از طریق قدرت می‌تواند به‌صورت یک‌جانبه یا چندجانبه یا تلفیقی از هر دو باشد. صلح به‌صورت یک‌جانبه یعنی همان‌طور که ترامپ اعلام کرده، آمریکا برای افزایش قدرت خود و به‌عنوان عظمت بزرگ به آن می‌نگرد. گاهی مواقع نیز برای افزایش قدرت در چارچوب چندجانبه نیز اقدام می‌شود که در قالب ائتلاف‌سازی و اتحادسازی صورت می‌گیرد. بنابراین صلح از طریق قدرت، به‌معنای بازدارندگی در برابر دشمنان آمریکا و تهدیدات است و نه در برابر دوستان آمریکا. نقش دوستان و هم‌پیمانان آمریکا در این چارچوب بر حسب مشارکت آنها در ارتباط با اتحاد و ائتلاف‌ها با آمریکا تعریف می‌شود و همچنین پرداخت هزینه‌های دفاعی که ما شاهدیم ترامپ به‌خصوص در مورد اروپا و ناتو و کشورهای حوزه خلیج‌فارس تأکید بر پرداخت هزینه‌های عضویت در این اتحادها و ائتلاف‌ها دارد تا آنها به افزایش قدرت و حفظ سلطه و هژمونی آمریکا کمک نمایند. دوم این‌که باید هزینه‌های این قدرت‌طلبی و اعمال قدرت را نیز پرداخت کنند؛ بنابراین دکترین صلح از طریق قدرت، در قبال هم‌پیمانان و دوستان آمریکا به‌معنای مشارکت در بازدارندگی چندجانبه است. بنابراین، می‌توان گفت در چارچوب صلح از طریق قدرت، در رابطه با دوستان و هم‌پیمانان آمریکا، تسری‌دادن صلح هژمونیک به دوستان آمریکا در مقابل دشمنان و تهدیدات مشترک مدنظر است. این امر در طول جنگ سرد نیز رایج بود و آمریکا چتر امنیتی خود را بر هم‌پیمانانش گستراند و امنیت را به این کشورها ارائه داد و تفاوتش با امروز این است که این کشورها نیز باید هزینه آن را بپردازند.

بنابراین صلح از طریق قدرت در دکترین ترامپ، به‌معنای تلاش برای ایجاد صلح بین‌المللی و منطقه‌ای نیست، بلکه پوششی برای نظامی‌گری و سلطه آمریکا در تمامی ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی است. در مورد ایران نیز همین روند حاکم است؛ در مذاکرات هسته‌ای هم به‌صورت کلی و هم ویژه گفته شده که سیاست آمریکا «صلح از طریق قدرت» است. اما در مقابل ایران، هم از تهدید نظامی استفاده می‌شود هم فشارهای اقتصادی و سیاسی. قدرت از طریق صلح بیشتر سیاستی است که مخالفین و رقبای آمریکا را هدف قرار داده است. وقتی آمریکا بحث صلح از طریق قدرت را به میان می‌آورد، به ذهن‌مان این‌گونه متبادر می‌شود که آمریکا باید به اسرائیل فشار آورد تا دست از جنایت علیه بشریت بردارد و صلح برقرار شود اما می‌بینیم در مفهوم صلح از طریق قدرت، اعمال فشار بر هم‌پیمانان آمریکا برای توقف و کنارگذاشتن جنگ‌طلبی و نظامی‌گری نیست؛ نمونه بارز آن، اقدامات و جنایاتی است که اسرائیل در غزه مرتکب می‌شود.

یادداشت

ابوالفضل ظهره‌وند | عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

زیاده‌خواهی‌های آمریکا انتها ندارد

در روزهای اخیر، ایالات متحده درخواست‌هایی را مطرح کرده است که حقوق قانونی ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم را به شدت زیر سؤال می‌برد. شواهد حکایت از آن دارد که این کشور قصد ندارد تحریم‌ها را برطرف کند و توافق احتمالی هم نتواند ارزش اقتصادی قابل توجهی برای ایران به همراه داشته باشد. این پرسش مطرح می‌شود که چرا جمهوری اسلامی با این وضعیت و توجیهات وقیحانه آمریکایی‌ها در مورد غنی‌سازی صفر، باید به این درخواست‌ها پاسخ دهد. متأسفانه، در حوزه حکمرانی و حاکمیتی با نوعی ناترازی و عدم تعادل مواجهیم. به نظر می‌رسد بخش‌های مسئول، دیدگاه انقلابی نداشته و راه حل را در رابطه با غرب و ایالات متحده می‌بینند. این عدم تعادل خود را در عملکرد مانمایان می‌سازد، به‌طوری که در مذاکرات پیشین، هرگونه ضعف به بیرون منتقل شده است. هیچ کشوری با موقعیت برتر، مذاکره را از موضع ضعف شروع نمی‌کند. من نیز طرفدار مذاکره هستم، حتی با ایالات متحده، اما از موضع قدرت و با هدف تامین منافع. متأسفانه، ما از چنین فرصتی بهره‌برداری نکردیم و نتیجه این رفتارها و عملکرد از موضع ضعف به جسارت بیشتر آمریکایی‌ها در مواجهه با ایران شده است. به جای این که از موضع قدرت به جسارت‌های آنها پاسخ دهیم و به دشمن تودهنی بزنیم، به طور مداوم دنبال دور مذاکره جدید می‌رویم. ما با مشکلات معرفتی و نگاه سنتی به روابط بین‌الملل مواجهیم که هم‌چنان هزینه‌های گزافی به کشور تحمیل می‌کند. این در حالی است که مردم را نیز نسبت به وضعیت آگاه نمی‌سازیم. بدین ترتیب، به‌تدریج به سمت تبدیل شدن به کشوری وابسته پیش می‌رویم که راه حل را در تسلیم شدن می‌بینیم. پیشنهاد می‌شود با توجه به تجارب و درس‌های برجام، از تله مذاکراتی آمریکایی‌ها پرهیز کرده و به جای تسلیم‌شدن بر سر میز مذاکره، به شفاف‌سازی نگاه خود نسبت به منافع ملی بپردازیم و زیر میز بزنیم و اشتباه برجام را تکرار نکنیم. طرف آمریکایی از حذف غنی‌سازی و انفجار سایت‌های هسته‌ای ایران و حضور بازرسان آمریکایی سخن می‌گوید که این مسأله شرم‌آور است. نباید نتیجه این مذاکرات به گونه‌ای باشد که آمریکا هر بار زیاده‌خواهی‌های بیشتری را مطرح کند. جا دارد در سالگرد امام راحل به سیره ایشان رجوع کنیم و اجازه زیاده‌خواهی به دشمن ندهیم.

یادداشت

علاءالدین بروجردی | عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

غنی‌سازی؛ محصول خون دانشمندان

بعد از پیروزی انقلاب، توانمندی هسته‌ای را با اراده جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای مقام معظم رهبری و با تقدیم تعدادی از بهترین دانشمندان هسته‌ای کشور که رژیم صهیونیستی آنها را به شهادت رساند به‌دست آوردیم. این توانمندی چیزی نبوده که آمریکا به ما هدیه کرده باشد که الان بخواهد ملت ایران را از آن محروم کند. بنا نیست دانشی را که با خون پاک شهدای دانشمندان‌مان به دست آمده از دست بدهیم، دانش غنی‌سازی محصول تلاش‌های دانشمندان و متخصصان ایرانی است و از ایران در هیچ شرایطی جدا نخواهد شد و این توانمندی را هرگز از دست نخواهیم داد. آمریکا تظاهر به علاقه جهت دستیابی کشورها به دانش روز را دارد اما در واقعیت آنها انحصارطلب هستند و نمی‌خواهند دیگران نیز علوم و دانش‌های مختلف، از صنایع موشکی گرفته تا دانش هسته‌ای و تمام چیزهایی که دانش روز جهان است را داشته باشند. اما جمهوری اسلامی براساس سیاست‌های مقام معظم رهبری، تمام این دانش‌ها بومی شده و محصول تلاش متخصصان و دانشمندان خودمان است. بنابراین به‌هیچ‌وجه اجازه نخواهیم داد که حتی برای یک لحظه برای ایران، غنی‌سازی متوقف شود. آنها در عین حال پیشنهاد متوقف‌کردن موقت غنی‌سازی را برای شش ماه داده بودند اما ما در مجلس حتی اگر دولت هم بخواهد چنین کاری انجام دهد، اجازه نخواهیم داد که برای یک روز هم غنی‌سازی در داخل کشور ما متوقف شود.

براساس معاهده NPT که ما هم متعهد به اجرای آن هستیم، خط قرمز در موضوع غنی‌سازی یک موضوع بیشتر نیست و آن هم ساختن بمب اتمی است. ما هم مثل همه اعضای NPT به عدم ساخت بمب اتم متعهدیم و در ضمن تنها کشوری هستیم که فتوای دینی مقام معظم رهبری درباره حرام بودن ساخت بمب هسته‌ای را هم داریم.

بنابراین مذاکرات امری دوطرفه است، به این معنی که ما بخشی از محدودیت‌ها را می‌پذیریم و طرف مقابل هم باید تمام تحریم‌ها را لغو کند؛ اما اگر بخواهند از خطوط قرمز ما عبور کنند، به‌هیچ‌وجه به مذاکره یک‌سویه ادامه نخواهیم داد.